

یکشنبه 14 تیر 12 رجب 5 ژوئیه

امام علی(ع) پس از پیروزی غرورآفرین بر اصحاب جمل و پایان بخشیدن به فتنه بزرگ طلحه و زبیر و هواداران عثمان مقتول، پیروزمندانه وارد شهر بصره شد...

**ورود حضرت علی(ع) به شهر کوفه و انتخاب آن به مقرر خلافت اسلامی سال 36 قمری.**

امام علی(ع) پس از پیروزی غرورآفرین بر اصحاب جمل و پایان بخشیدن به فتنه بزرگ طلحه و زبیر و هواداران عثمان مقتول، پیروزمندانه وارد شهر بصره شد و جنگجویانی از اهالی بصره که بر ضد حکومت قانونی و اسلامی حضرت علی(ع) وارد جنگ شده و پس از شکست، زخمی، اسیر و متواری شده بودند، همگی را مورد عفو و بخشش کریمانه خویش قرار داد. اهالی بصره، پس از فتنه اصحاب جمل، با رغبت تمام با آن حضرت تجدید بیعت کرده و از همکاری برخی از مردم این شهر با غوغا سالاران جمل اظهار شرمندگی و پشیمانی نمودند.

به هر روی، آن حضرت پس از چند روز توقف در بصره و تقسیم بیت المال در میان مردم و مداوای زخمیان جنگ، عبدالله بن عباس را به حکومت این شهر منصوب و برای بار دیگر در جمع مردم بصره، خطبه ای خواند و آنان را به پیروی از دستورات عبدالله بن عباس و قوانین حکومت اسلامی فراخواند. آن گاه این شهر بزرگ را ترک و به سوی کوفه حرکت کرد.

بزرگان، ریش سفیدان و رؤسای قبایل و طوایف بصره، آن حضرت را تا چند میلی بیرون بصره، بدرقه کردند و آن حضرت با آنان خداحافظی و به همراه بسیاری از سپاهیان خویش به سمت کوفه حرکت نمود.

ورود امام علی(ع) به کوفه، مصادف بود با دوازدهم رجب سال 36 قمری. اهالی کوفه استقبال شایانی از آن حضرت به عمل آوردند و از وی درخواست کردند که در کاخ حکومتی این شهر فرود آید. ولی آن حضرت از رفتن به کاخ حکومتی امتناع نمود و فرمود: به جای کاخ در فضای باز فرود خواهم آمد.

آن گاه به مسجد اعظم کوفه رفت و دو رکعت نماز به جای آورد و برای اهالی کوفه، که برای زیارت آن حضرت و شنیدن صدای روح نواز وی لحظه شماری می کردند، خطبه ای ایراد نمود.

آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی، در فرازی از سخنانش فرمود: اما بعد، فالحمد لله الذي نصر وليه، و خذل عدوه، و اعز الصادق المحق، و أذل الكاذب المبطل، عليكم يا أهل هذا المصر بتقوي الله و طاعه من أطاع الله من أهل بيت نبيكم، الذين هم أولي بطاعتكم من المنتحلين المدعين القائلين: إلينا إلينا، يتفضلون بفضلنا، و يجاحدون أمرنا، و ينازعونا حقنا، و يدفعونا عنه، و قد ذاقوا و بال ما اجترحوا فسوف يلقون غيا. قد قعد عن نصرتي منكم رجال و أنا عليهم عاتب زار، فاهجروهم، و اسمعوهما ما يكرهون، حتي يعتبونا و نري منهم ما نحب.

یعنی: سپاس خدا را که دوست خود را یاری کرد و دشمنش را خوار نمود و راستگویی حقیقت خواه را آبرو داد و دروغ گویی مفسده جو را زبون نمود. ای مردمی که در این شهر [کوفه] زندگی می کنید! بر شما باد تقوای الهی و پیروی کسی از اهل بیت پیامبرتان که خدا را پیروی می کند. همان هایی که از سایر مدعیان باطل گو، به اطاعت و فرمانبرداری شایسته ترند. آن مدعیانی که همواره مردم را به سوی خود می خوانند و بر اثر فضیلتی که از ما به دست آورده اند، اظهار برتری می کنند و امر ما [ولایت و امامت] را انکار می نمایند و حق ما را از بین می برند و ما را از استفاده حق خودمان منع می کنند. آری، آنان آب تلخ بدرفتاری و بدکرداری خویش را چشیدند و به زودی هم به بدفرجامی خود می رسند.

عده ای از میان شما نیز، از کمک و یاری ما دست برداشته [و از این طریق، دشمنانمان را تقویت نمودند] و مرا از کردار خویش ناراحت و نگران نمودند. اینک شما نیز از آنان دوری کنید و با گفتارتان، آنان را از کرده خویش شرمنده کنید، تا از کردار ناروای خود شرمگین شده و به ما روی آورند و آن چه از آنان انتظار داشتیم برآورده کنند.

بدین ترتیب آن حضرت دوستداران و یاران خویش و توده های میلیونی مسلمانان کوفه را مورد عنایت و کارشکنان و واپس گرایان را سرزنش و توبیخ نمود و از آن پس، این شهر بزرگ را مقرر حکومت عدالت جویانه خویش قرار داد.

وفات «عباس ابن عبدالمطلب» عموی بزرگوار پیامبر(ص) در سال 32 هجری قمری

«عباس ابن عبدالمطلب» عموی بزرگوار پیامبراسلام (ص) و از بزرگان قریش در سال 32 هجری قمری وفات یافت. او مردی توانگر بود و گویند که پیش از هجرت پیامبراکرم (ص) به مدینه، اسلام آورد، اما عقیده اش را آشکار نساخت. برخی دیگر از مورخان معتقدند که عباس ابن عبدالمطلب کمی پیش از فتح مکه در سال 8 هجری به مسلمانان پیوست و پس از فتح مکه منصب سفایت خانه خدا یعنی تامین آب برای زائران خانه کعبه رارسول خدا(ص) به ایشان واگذار کرد. عباس در غزه حنین درکناریاران حضرت محمد(ص) حضورداشت و در اواخر عمر از دوچشم نابینا شد وچندی بعد بدرود حیات گفت و چندی بعد بدرود حیات گفت. پیکرپاک عباس ابن عبدالمطلب راپسرش «عبدالله» درگورستان بقیع درمدینه منوره به خاک سپرد.

درگذشت ابوحنیفه راوی اخبار تاریخی، قصص انبیا و حدیث در سال 206 هجری قمری

« ابوحنیفه » راوی اخبار تاریخی، قصص انبیا و حدیث دیده ازجهان فروبست. اودربلخ دنیا آمد اما دربخارا زندگی کرد. وی مدتی هم درمکه و مدینه به فراگیری حدیث مشغول بود. ابوحنیفه راوی احادیثی معتبراست. ازمیان افرادی که وی ازآنان روایت کرده

است، امام جعفر صادق (ع)، محمد بن اسحاق و مالك بن انس رامي توان نام برد. همچنين محمد بن قدامه بخاري، محمد بن نيشابوري و عبدالله ابن احمد مروزي از جمله ناقلان روايات ابو حذيفه بودند. از تالیفات ابو حذیفه المبتداء رامي توان نام برد که مهمترین اثراوست و از نخستین تالیفات اسلامي درباره خلقت و قصص پیامبران به شمار مي آید. الفتوح و روايتي بلند از امام صادق (ع) درباره معراج حضرت رسول (ص) از ديگر آثار ابو حذيفه است.

درگذشت «احمد بن يحيى رَملي» در سال 306 هجري قمری

« احمد بن يحيى رَملي » از مشاهير عارفان قرن 4 هجري قمری درگذشت. كنيه وي ابو عبدالله و شهرتش ابو الجلاء بود. برخي از علما براي عقیده اند که در سرتاسر سرزمينهاي شام، حجاز، عراق و حلب مانند رَملي كسي نبوده است. رَملي که با ذوالفنون عالم مصري هم عصر بود در طلب علم سفرهاي بسيار کرد و به گردآوری روايات و احاديث همت گماشت. برخي از يادداشتهاي ابن عارف بزرگ بصورت خطي موجود است.

گشايش مدرسه بين المللي منجمان جوان در زنجان در سال 1374 هجري شمسي

مدرسه بين المللي منجمان جوان در زنجان با حضور جمعي از دانشمندان و دانش پژوهان و اختر شناسان داخلي و خارجي در سال 1374 هجري شمسي گشايش يافت. هدف از تشكيل اين مدرسه ارتقاء دانش نجوم، لزوم فراگيري آموزشهاي بين المللي براي منجمان جوان و بحث و تبادل نظر درباره آخرين يافته هاي علمي در زمينه نجوم عنوان گرديد. گفتني است هزينه ايجاد اين مدرسه به عهده انجمن بين المللي نجوم بوده است.

روز قلم

بسم الله الرحمن الرحيم

« ن و القلم و ما يسطرون »

1- تاريخ قلم و فرايند علمي نوشتار

- تاريخ نوشتار در وسيعترين مفهوم، به بيست هزارسال و با محدود ساختن به نظامهاي نوشتاري مدون به شش هزار سال باز مي گردد. از جمله موادي که براي اين امر بکار مي رفته اند، سنگ، چوب، فلز، پوست حيوانات، برگ درختان، استخوان، صدف، گل رس، موم، کوزه، ابريشم، پنبه، کاغذ و جز آن را مي توان نام برد. با نيم نگاهی به اين چند نمونه مي توان دريافت که مواد نامبرده به دو گونه اصلي فسادپذير و فسادناپذير تقسيم مي شوند. اما آنطور که تاريخ نشان مي دهد نوشتن بر مواد فسادناپذير همواره مقدم بر نگارش بر مواد فسادپذير بوده است. مواد مزبور تا حد زيادي بر ابزارهاي نوشتن نيز تأثير گذاشته و متقابلاً تأثير پذيرفته است. به طور مثال، سنگ تراش براي کار خود به ابزارهاي گوناگوني نياز دارد که با قلم مورد استفاده بر کاغذ و قلم موي به کار رفته بر پايروس متفاوت است.

- فرايند علمي نوشتار را مي توان به طور کلي در دو دسته تقسيم کرد. يک دسته خطوطي را شامل مي شود که با استفاده از ابزارهاي تيز چون سوزن، چاقو، قلم سنگ تراشي و جز آن بر سطح ماده نوشتاري کنده مي شود. دسته ديگر شامل خطوطي است که به وسيله قلم پر، قلم ني، چوب يا فلز، قلم مو و با استفاده از جوهر بر سطح ماده نوشتاري ترسيم مي شود. نسخه برداري از نوشته اي بر سنگ يا فلز بطور منطقي در نهايت به اختراع چاپ منجر شد.

2- قلم و انتقال اندیشه از منظر قرآن

- « قلم » مقسم دوران تاريخ و ماقبل تاريخ است، حافظ علوم و دانشها، پاسدار افکار انديشمندان، حلقه اتصال فكري عالمان، و پل ارتباطي گذشته و آينده بشر است؛ و حتي ارتباط آسمان و زمين نيز از طريق لوح و قلم حاصل شده است. « قلم » انسانهاي را که جدا از هم، از نظر زمان و مکان زندگي مي کنند پيوند مي دهد، گويي همه متفکران بشر را در تمام طول تاريخ و در تمام صفحه روي زمين در يک کتابخانه بزرگ جمع مي بيني!

- « قلم » رازدار بشر و خزانه دار علوم، و جمع آوري کننده تجربيات قرون و اعصار است، و اگر قرآن به آن سوگند ياد مي کند به همين دليل است و البته قلم وسيله اي براي « ما يسطرون » و نوشته ها، که قرآن به هر دو سوگند ياد کرده است. زيرا بر اساس يک تفسير منظور از قلم «تعليم کتابت» است و براساس تفسير ديگر «علمي» است که از طريق کتابت به انسان مي رسد.

3- قلم در آيينه روايات

- در بعضي از روايات آمده است که (ان اول ما خلق الله القلم) « نخستين چيزي که خدا آفريد قلم بود ». اين حديث را محدثان شيعه از امام صادق عليه السلام نقل کرده اند و در کتب اهل سنت به عنوان يک خبر معروف نيز آمده است. و در حديث ديگري خداوند اولين خلق خود را گوهری مي داند (اول ما خلق الله تعالي جوهره) « نخستين چيزي را که خداوند آفريد گوهری بود » از سوي ديگر برخي از روايات از « عقل و خرد » به عنوان اولين مخلوق خداوند ياد مي کنند (ان ما خلق الله العقل) « نخستين چيزي را خدا آفريد عقل و خرد بود ». اما با توجه به پيوند ويژه اي که در ميان گوهر، قلم و عقل است مفهوم « اول بودن » همه آنها روشن مي شود. لذا پيامبر « امي » و درس ناخوانده، در نخستين آيات وحی (علق / آيات 1 تا 4) بر مسئله « علم و قلم » تأکيد مي ورزد و مهمترين پيام الهي را از طريق « قلم » انتقال مي دهد.

- پيشوايان اسلام در احاديث متعددي به ياران خود تأکيد کردند که به حافظه خود قناعت نکنند و احاديث اسلامي و علوم الهي را به رشته تحرير در آورند و براي آيندگان به يادگار بگذارند در شعري از شعراي عرب آمده است که: « خداوند اينگونه براي قلم از آن روز که تراشیده شد مقدر کرده است که شمشيرهاي تيز خدمتگذار آن باشند » اين تعبير اشاره لطيفي به تراشيدن قلم به وسيله چاقو و قرار گرفتن تيغهاي تيز در خدمت قلم از آغاز کار است. و برآستي « مداد علما » بر « دماء شهداء » پيشي

گرفته است.

4- قلم و جهان جدید

- در آغاز قرن بیستم، کسی این تردید را بخود راه نمی داد که قلم و کاغذ را مهمترین و مؤثرترین ابزار ذخیره سازی اطلاعات بداند، زیرا در آن زمان جوامع به لحاظ اقتصادی و فکری به جامعه های کاغذ مدار تبدیل شده بود، اما پایه های این باور پس از چندی به لوزه درآمد و با ظهور رایانه، رشد سریع تکنولوژی اطلاعات، تلویزیون، استفاده های گوناگون از فیلم ویدئو، میکرو فیلم، میکروفیش و ابزارهای الکتریکی، برتری بلا رقیب کاغذ و قلم به طور جدی به مبارزه طلبیده شده است. و اگر چه هنوز کتابخانه الکترونیکی و اداره بدون کاغذ و قلم و جامعه بدون کتاب نیامده است، اما موقعیت ابزار و مواد نوشتنی از بنیاد دگرگون شده است. بدین ترتیب فرهنگ حقیقی که از طریق تأثیر قلم بر کاغذ شکل می گرفت به فرهنگ مجازی یعنی ضربات نوری و صفحات مجازی رایانه تبدیل می شود.